

ایران

نقش کوتاه وجود ندارد بلکه هنرپیشه کوچک وجود دارد

روزی که سر کار بیضایی رفتم و وقتی فیلمنامه را گرفتم، دیدم با دقت تمام دیالوگ ها، نوع لنزهای دوربین و خط کشی ریل ها را نوشته بود و تا روز آخر حتی یک پلان بیشتر از فیلمنامه نگرفت. خیلی مرد عجیب و خوبی بود و از همکاری با او کیف کردم. برای نقش حاجی نقدی در «سگ کشی» نست دادم و قراردادم را هم امضا نکردم. به مزده شمسایی گفتم قرارداد با آقای بیضایی امضا نمی کنم. این مرد ۹ سال است فیلم نساخته و شمع تولدش دستمزد من برای این فیلم است. خیلی این نقش را دوست داشتم. فقط پشت میز نشستی و امکان حرکتی وجود ندارد و فقط باید حس داشته باشی. وقتی جایزه را گرفتم، روی صحنه گفتم آقای بیضایی نشان داد نقش کوتاه وجود ندارد، بلکه هنرپیشه کوچک وجود دارد.

پرشنی از صحبت های داریوش ارجمند در دیدار با رئیس سازمان سینمایی

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
- سردبیر:** هادی خسروشاهین

- مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران**
- رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل:** علی متقیان
- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومی:** **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه های ایران و مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- بذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳



بازگشت «حسن فتحی» به تاریخ در عصرصفوی

حسن فتحی، کارگردان صاحب‌سبک سینما، در تازه‌ترین تجربه سریال‌سازی خود سراغ دوران صفویه رفته است. تصویربرداری «ده پهلوان» به کارگردانی او و نویسندگی مشترکش با نغمه ثمنی، همزمان با روز ملی سینما در منطقه پارچین آغاز شد. فتحی که در کارنامه‌اش آثار تاریخی جریان‌سازی دارد، این بار نیز با فضایی عاشقانه و دراماتیک به میدان آمده است. باید دید آیا او می‌تواند امضای شخصی‌اش در بازسازی قصه‌های تاریخی را تکرار کند یا رویکرد تازه‌ای را در بستر این پروژه پلتفرمی ارائه می‌دهد. **ایران**



بازگشت «نگار جواهریان» به صحنه با «مساوات»

نگار جواهریان پس از سه سال دوری از تئاتر، پاییز امسال به صحنه با بومی‌گردد. او قرار است در نمایش «منظومه پیامبر بدی‌ها» به نویسندگی و کارگردانی محمد مساوات در تماشاخانه «لبخند» ایفای نقش کند. همکاری او با مساوات که به سبک‌های تجربی و ساختارشکنی در تئاتر شهره است، می‌تواند یکی از کنجکاو‌برانگیزترین اتفاقات نمایشی امسال باشد. **ایستا**



امام علی (ع)

بزرگ‌ترین عیب آن بود که چیزی را زشت انگاری که خود به همانند آن گرفتاری.

نهج البلاغه، ص ۴۲۳



تداوم تور «ایرانم» «علیرضا قربانی» در اصفهان

علیرضا قربانی پس از موفقیت چشمگیر در تبریز و شیراز، مقصد بعدی تور کنسرت «ایرانم» را اصفهان اعلام کرد. او که اخیراً به پاس اجرهای متعددش عنوان «شهروند افتخاری شیراز» را دریافت کرد، حالا از ۲۵ تا ۲۳ شهریور در آمفی‌تئاتر روباز بوستان پردیس هنر اصفهان به دیدار مخاطبانش می‌رود. قربانی با تداوم این تور استانی، در عمل استراژی تمرکززدایی از اجرهای پایتخت را پیش گرفته و تلاش دارد پیوند موسیقایی خود را با شهرهای مختلف ایران، از اردبیل تا اصفهان، مستحکم‌تر از همیشه برقرار کند. **ایرنا**

گفت‌وگوی «ایران» با حمیده گوهری؛ دبیر دهمین دوره جایزه فیروزه:

گام تازه برای تجاری‌سازی هنر ایرانی



نمایشگاهی با رویکرد دائمی و شکل‌گیری یک خوشه خلاق

حمیده گوهری، دبیر دهمین دوره جایزه فیروزه، در گفت‌وگو با «ایران» درباره تفاوت نمایشگاه امسال با دوره‌های گذشته و چرایی گردآوری آثار از استان‌ها گفت: «برخلاف دوره‌های پیشین، یک رویداد موقت و پایان‌یافتنی نیست؛ نمایشگاهی با رویکرد دائمی‌شدن، به‌عنوان اولین گام.

تا پیش از این، هر دوره از جشنواره با برگزاری اختتامیه به پایان می‌رسید و آثار به استان‌های خود بازمی‌گشتند. امسال تصمیم گرفتیم این روند را تغییر دهیم و آثار برگزیده یک‌دهه را در محل برج آزادی، گرد هم آوریم.

این نمایشگاه با تجمیع آثار برگزیده از استان‌های کشور، تلاش می‌کند از طریق ایجاد یک خوشه خلاق، مسیر ورود محصولات هویت‌محور ایرانی به بازارهای داخلی و رویدادهای دیپلماسی فرهنگی بین‌المللی را هموار سازد. در این نمایشگاه عروسک‌های بومی، هدایای فرهنگی و محصولات هویت‌محور با هدف معرفی ظرفیت‌های کمتر دیده‌شده استان‌ها و ایجاد ارتباط میان هنرمندان صنایع خلاق با گردشگران و فعالان اقتصادی، در یکی از نمادهای ملی ایران به نمایش گذاشته شده است.

فرآیند گردآوری آثار برگزیده دوره‌های گذشته از تیرماه ۱۴۰۵ و با همکاری ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و دبیران استانی آغاز شد و طی بیش از دو ماه، آثار منتخب ۲۳ استان به تهران منتقل و در برج آزادی مستقر شدند.

درباره نمایشگاه «مشروطه به روایت تصویر»

وقتی عکس‌ها از مشروطه سخن می‌گویند

گزارش

گروه فرهنگی

موزه عکسخانه شهر به مناسبت صدوبیستمین سالگرد جنبش مشروطه، نمایشگاه «مشروطه به روایت تصویر» را با مجموعه‌ای شامل ۷۲ عکس و کارت‌پستال برپا کرده است؛ نمایشگاهی که با تمرکز بر رخداد‌های مشروطه در تبریز و اولین دوره‌های مجلس شورای ملی، فرصتی برای بازخوانی بخشی از تاریخ معاصر ایران از دریچه تصویر فراهم می‌کند.

کرد: بخشی از صنایع فرهنگی کشور، تحت عنوان صنایع دستی، به‌دلیل قیمت و هزینه بالای تهیه، عملاً از سبد فرهنگی خانواده‌های ایرانی حذف شده است.

این نمایشگاه، با به‌نمایش درآوردن آثار از سراسر ایران در یک مکان واحد، به تحقق همین هدف کمک می‌کند؛ تبدیل این آثار از کالایی تزئینی و دور از دسترس، به محصولی که بار دیگر بتواند به زندگی خانواده ایرانی راه یابد.»

گوهری به مهم‌ترین موانع تجاری‌سازی صنایع خلاق اشاره کرد و گفت: «یکی از موانع عمده و قابل‌تأمل، فقدان یک بازار سازمان‌یافته برای این محصولات است.

هنرمند با نگاه هنری و خلاقانه خود، اثر را تولید می‌کند، اما معمولاً از چگونگی قیمت‌گذاری، انعقاد قرارداد با شرکت‌ها، یا طراحی بسته‌بندی و برند مناسب برای اثر خودآگاهی کافی ندارد. این فاصله میان خلق اثر و ورود آن به بازار، جایی است که بسیاری از آثار ارزشمند در آن نادیده گرفته می‌شوند. مانع دوم، ابهام در مالکیت اثر است. بسیاری از این محصولات ریشه در روایتی جمعی و کهن دارند که مشخص نیست دقیقاً متعلق به کدام منطقه یا خانواده هنری است. همین ابهام در حق مالکیت، در مسیر جذب سرمایه‌گذاری اختلال ایجاد می‌کند، زیرا سرمایه‌گذار پیش از هر اقدامی باید از موضوع سرمایه‌گذاری خوداطمینان داشته باشد. به همین دلیل مقرر شد نسبت به این آسیب، با همکاری

نهادهای کارشناسان متخصص این حوزه، راهکارهایی تدوین شود و در اولین گام، برای اثر هر

شناسه دیجیتالی در نظر گرفته شد که منشأ و صاحب اثر را مشخص و قابل رهگیری می‌سازد. نکته سوم نیز به واقعیتی اجرایی بازمی‌گردد: گازی و برقراری ارتباط با بازارهای خارجی، کار نیست که هنرمند یا حتی یک نهاد فرهنگی به‌تنهایی از عهده آن برآید. این نوع ارتباط، به تسهیل‌گری و زمینه‌سازی بخش دولتی نیازمند است؛ از هموارسازی مسیرهای دیپلماتیک و گمرکی گرفته تا معرفی این آثار در نمایشگاه‌ها و رایزنی‌های فرهنگی خارج از کشور.

بخش خصوصی می‌تواند محصول را تولید و حتی عرضه کند، اما گشودن اولین دروازه به یک بازار خارجی، معمولاً در گرو حمایت و پشتیبانی دولتی است. به همین دلیل، بخشی از برنامه‌های آینده به همکاری با دستگاه دیپلماسی و صادراتی کشور اختصاص یافته است.»

شناسایی استعداد‌های کمتر دیده‌شده در استان‌ها

گوهری درباره دستاوردهای ده دوره برای هنرمندان و کسب‌وکارهای جشنواره فیروزه گفت: «مهم‌ترین دستاورد جایزه فیروزه در طول این ده سال، شناسایی هنرمندانی بوده که پیش از این ناشناخته باقی مانده بودند. این شناسایی، نقطه آغاز هر مسیر اقتصادی است، چرا که دیده‌شدن، پیش‌شرط هرگونه رشد و توسعه محسوب می‌شود. دستاورد دیگری که کمتر مورد توجه قرار گرفته اما اهمیت هم‌سنگ دارد، شبکه‌سازی با استان‌های کشور است. در طول این ده دوره، بخشی از زوایای هنرهای سنتی آشکار شد که در سایر رویدادها تعریف مشخصی نداشتند و حتی متولی مشخصی برای آنها وجود نداشت. جایزه فیروزه زمینه لازم را برای شناسایی و به‌رسمیت‌شناختن این بخش‌های کمترشناخته‌شده فراهم کرده است.

با این حال، هدف امسال، برداشتن گامی فراتر است. تا پیش از این، شناسایی هنرمندان معمولاً به تقدیر و اطلاع‌رسانی خبری محدود می‌شد. این نمایشگاه در پی آن است که این شناسایی به سفارش، قرارداد و فروش واقعی منجر شود. شناسه دیجیتالی هر اثر، برای اولین بار این امکان را به‌صورت نظام‌مند فراهم می‌کند.»

دبیر دهمین دوره جایزه جشنواره فیروزه به کشف استعداد‌های خارج از مراکز اصلی خبری محدود می‌شد. این نمایشگاه در پی آن است که این شناسایی به سفارش، قرارداد و فروش واقعی منجر شود. شناسه دیجیتالی هر اثر، برای اولین بار این امکان را به‌صورت نظام‌مند فراهم می‌کند.

دبیر دهمین دوره جایزه جشنواره فیروزه به کشف استعداد‌های خارج از مراکز اصلی خبری محدود می‌شد. این نمایشگاه در پی آن است که این شناسایی به سفارش، قرارداد و فروش واقعی منجر شود. شناسه دیجیتالی هر اثر، برای اولین بار این امکان را به‌صورت نظام‌مند فراهم می‌کند.

دبیر دهمین دوره جایزه جشنواره فیروزه به کشف استعداد‌های خارج از مراکز اصلی خبری محدود می‌شد. این نمایشگاه در پی آن است که این شناسایی به سفارش، قرارداد و فروش واقعی منجر شود. شناسه دیجیتالی هر اثر، برای اولین بار این امکان را به‌صورت نظام‌مند فراهم می‌کند.

منطقه اشراف دارند، هنرمندان محلی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه باید با آنان ارتباط برقرار و در سطح استان شبکه‌سازی کرد. این دبیران، بستری برای دیده‌شدن هنرمندانی فراهم می‌کنند که به معنای واقعی کلمه، روایتگران اصلی هویت فرهنگی و تمدنی این سرزمین‌اند و باید به این هنرمندان به عنوان سرمایه‌های فرهنگی کشور نگریست. بدون این حضور آگاهانه و بومی، بسیاری از این آثار همچنان ناشناخته باقی می‌ماندند.»

از آثار برگزیده تا سفیران فرهنگی ایران در جهان

او درباره موضوع «توسعه دیپلماسی فرهنگی» که در این دوره پرزنگ شده است و چگونگی ورود آثار برگزیده جشنواره به بازارهای بین‌المللی، معرفی و صادرات یا عرضه بین‌المللی این محصولات نیز این‌طور پاسخ داد: «نگاه ما این است که این آثار، سفیرانی بی‌واسطه برای فرهنگ ایران محسوب می‌شوند. برای عملیاتی‌کردن این نگاه، دو برنامه مشخص در دست اقدام است: اول، ایجاد کریدور صادراتی به سمت کشورهای همسایه و کشورهای که ظرفیت بالایی برای عرضه محصولات فرهنگی ایرانی در آنها وجود دارد که این برنامه با حمایت و همکاری سایر بخش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نظیر مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر امکان‌پذیر است. دوم، بهره‌گیری از فهرست برگزیدگان ادوار جایزه فیروزه در برگزاری هفته‌های فرهنگی ایران در سایر کشورها؛ به این ترتیب که هنگام برگزاری هفته فرهنگی ایران در هر کشور، فهرستی معتبر از هنرمندان و آثار قابل معرفی از پیش در دسترس خواهد بود.»

جایزه فیروزه؛ از رویداد رقابتی تا پلتفرم صنایع خلاق

گوهری در پاسخ به این سؤال که پس از برگزاری ۱۰ دوره جشنواره فیروزه، چشم‌انداز شما برای دوره‌های آینده چیست؟ آیا قرار است جشنواره از یک رویداد صرفاً رقابتی به یک زنجیره کامل حمایت، تولید، تجاری‌سازی و عرضه آثار تبدیل شود، پاسخ داد: «بله، دقیقاً همین مسیر دنبال می‌شود. چشم‌انداز ما این است که جایزه فیروزه از یک فرآیند رویدادمحور خارج شود؛ به این معنا که دیگر صرفاً به برگزاری یک جشنواره سالانه محدود نماند، بلکه با هم‌افزایی با سایر بخش‌های مرتبط با صنایع خلاق در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای، به یک پلتفرم واحد تبدیل شود. شناسایی شده‌اند که کمتر در کانون توجه رسمی فرهنگ و هنر کشور قرار داشته‌اند. حضور آثار برگزیده از استان‌های سراسر کشور در کنار یکدیگر، گواه روشنی بر همین واقعیت است.

راهکار این بوده که دبیران استانی از میان اهالی همان استان انتخاب شوند؛ افرادی که به فرهنگ و هنر بومی



شاهنامه در عصر هوش مصنوعی

یک لحظه تصور کنیم فردوسی در روزگار ما زندگی می‌کرد؛ نه در توس هزار سال پیش، بلکه در جهانی که تلفن همراه، اینترنت و هوش مصنوعی بخشی از زندگی روزمره انسان شده‌اند؛ آیا باز هم شاهنامه را می‌نوشت؟ به نظر من، بی‌تردید آری. اما احتمالاً شاهنامه او فقط روایت رستم و سهراب و سیاوش نبود. اگر امروز می‌زیست، احتمالاً همان کاری را می‌کرد که هزار سال پیش کرد: بحران‌ها و آرزوهای انسان زمانه خودش را روایت می‌کرد.

فردوسی بیش از آنکه راوی گذشته باشد، راوی انسان است؛ انسانی در مسیر قدرت، عشق، خیانت، وفاداری، خرد و سرنوشت. شاید یکی از فصل‌های شاهنامه امروز او درباره هوش مصنوعی بود، اما نه به شکل یک متن فنی درباره الگوریتم و ماشین. فردوسی احتمالاً از خودش می‌پرسید: اگر انسان موجودی سازه که بتواند ببند بندش، نبوسد، تصویر بسازد و در چند ثانیه میلیون‌ها داده را تحلیل کند، آیا این موجود در خدمت انسان خواهد بود یا روزی انسان را به خدمت خود خواهد گرفت؟

این پرسش همان پرسش قدیمی شاهنامه است؛ فقط لباسش عوض شده‌است. در شاهنامه، همیشه مسأله قدرت مطرح است؛ قدرتی که اگر با خرد همراه نباشد به ویرانی می‌رسد. اما یک دغدغه قدیمی فردوسی، امروز شکل تازه‌ای پیدا کرده است: زبان فارسی.

حکیم فردوسی در روزگاری شاهنامه را سرود که زبان فارسی در معرض دگرگونی‌های جدی بود. او با تکیه بر میراث پیشینیان، روایت‌های کهن و ظرفیت‌های زبان فارسی، اثری پدید آورد که نه فقط یک شاهکار ادبی، بلکه یکی از ستون‌های ماندگار زبان فارسی شد.

شاهنامه را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های فرهنگی برای حفظ حافظه تاریخی و زبانی ایرانیان دانست. فردوسی نشان داد زبان فقط وسیله سخن گفتن نیست؛ حافظه یک ملت است. اگر واژه‌ها، روایت‌ها و داستان‌های یک ملت فراموش شوند، بخشی از هویت آن ملت نیز از میان می‌رود. امروز این دغدغه در برابر یک فناوری تازه به نام هوش مصنوعی قرار گرفته است. هوش مصنوعی می‌تواند برای زبان فارسی را یک فرصت تاریخی باشد. می‌تواند میلیون‌ها صفحه از متون فارسی را دیجیتال و قابل جست‌وجو کند، در شناخت واژه‌های کهن باری رساند، متون کلاسیک را به نسل جدید نزدیک کند. آموزش زبان فارسی را آسان‌تر سازد و حتی به ثبت و حفظ گوش‌ها و گونه‌های زبانی کمک کند. اما روی دیگر ماجرا را نباید نادیده گرفت. اگر بیشتر داده‌های آموزشی هوش مصنوعی به زبان‌های مسلط جهان باشد و فارسی سهم اندکی از این میدان داشته باشد، ماشین در آینده فارسی را نه آن‌گونه که ما زندگی و تجربه می‌کنیم، بلکه آن‌گونه که داده‌های ناقص و ترجمه‌های ماشینی به او اموزخته‌اند، خواهد شناخت. از سوی دیگر، تولید انبوه متن‌های سطحی، ترجمه‌های نادرست و جمله‌های کلیشه‌ای می‌تواند آرام‌آرام ذائقه زبانی ما را تغییر دهد.

خطر اصلی این‌ها نیست که در حضور هوش مصنوعی، ما به فارسی بد عادت کنیم. اینجاست که میراث فردوسی اهمیت تازه‌ای پیدا می‌کند. اگر فردوسی امروز از ابزارهای هوش مصنوعی را در اختیار داشت، بعید بود با آن مبارزه کند یا آنها را کنار بگذارد. احتمالاً از این فناوری برای جست‌وجوی هزاران متن، مقایسه روایت‌ها، یافتن واژه‌های فراموش شده و شناخت بهتر میراث ادبی استفاده می‌کرد. اما هرگز اجازه نمی‌داد ماشین جای اندیشه و زبان شاعر را بگیرد. چرا؟ چون اطلاعات با فرهنگ یکی نیست و تولید کلمه با آفرینش ادبی تفاوت دارد.

فردوسی می‌دانست که برای ماندگار یک ملت، تنها حفظ بناها و آثار تاریخی کافی نیست؛ باید زبان و روایت‌های آن ملت نیز زنده بماند. امروز اگر بخواهیم همان راه را ادامه دهیم، باید فارسی را وارد جهان فناوری کنیم؛ پیکره‌های بزرگ و معتبر فارسی بسازیم، متون کلاسیک را با دقت دیجیتال کنیم، فرهنگ‌های لغت و دانشنامه‌ها را توسعه دهیم و کاری کنیم که هوش مصنوعی، فارسی را از خود فارسی پیامور، نه فقط از ترجمه فارسی زبان‌های دیگر، فردوسی هزار سال پیش در برابر فراموشی ایستاد و حافظه یک ملت را به زبان شعر سپرد. امروز اگر قرار است شاهنامه‌ای در عصر هوش مصنوعی نوشته شود، شاید دانستنش درباره پهلوانی باشد که با شمشیر نمی‌جنگد؛ بلکه در مورد انسانی باشد که در میان سیلاب اطلاعات، حقیقت را پیدایی کند و نمی‌گذارد ماشین به جای او ببیند.

در چنین شاهنامه‌ای، رستم شاید نماد انسانی باشد که بر قدرت مسلط می‌شود، نه انسانی که قدرت بر او مسلط می‌شود. سمیرغ شاید نماد دانشی باشد که در اختیار همگان قرار گرفته، اما استفاده از آن به خرد نیاز دارد. فردوسی، شاهنامه را با «خره آغاز کرد؛ به نام خداوند جان و خرد.» امروز نیز مسأله اصلی این نیست که ماشین چقدر هوشمند شده و چقدر، این است که انسان در برابر هوش ماشین، چقدر خردمند می‌ماند. زبان فارسی، هنوز همان پرسش هزار ساله برجاست؛ چه کسی روایت ما را خواهد نوشت؟ اگر خودمان نویسیم، دیگران خواهند نوشت و اگر زبانمان را وارد آینده نکنیم، آینده هم جایی برای زبانمان باز نخواهد کرد. فردوسی یکبار زبان فارسی را از فراموشی نجات داد. این بار نوبت ماست که نگذاریم فارسی در جهان دیجیتال فراموش شود. شاید این، شاهنامه‌ای باشد که هنوز نوشته نشده‌است.